

## کیمت‌ان

**اسلام** یا **آنکه همه هستی را ملک طلق خداوند می‌داند ولی در دنیا و سامان‌دهی به زندگی بشر، مالکیت اعتباری را برای بشر امضا کرده است.** این مالکیت به دو دسته **خصوصی و عمومی** تقسیم می‌شود. هر گونه تصرف در اموال حتی در اموال **خصوصی** شرایطی دارد، چه رسد در اموال عمومی. نویسنده در این مطلب به حوزه اموال عمومی به ویژه بیت‌المال پرداخته است و برخی از احکام و آثار سوء-استفاده از آن را بیان کرده است.

\*\*\*

**تعریف مالکیت، اقسام و احکام آن**

مالکیت یک اضافه میان کسی یا چیزی است. یک طرف اضافه را مالک و طرف دیگر را مملوک می‌گویند. اضافه میان خداوند با اشیاء یعنی همه هستی یک اضافه حقیقی است و تنها خداوند مالک حقیقی هر چیزی است. اما اسلام یک مالکیت اعتباری را میان انسان و اشیاء اثبات کرده است. به این معنا که برای تنظیم زندگی بشر اضافه چیزی به انسان را به عنوان ملک پذیرفته است. ملکیت به شخص اجازه می‌دهد تا در ملک و مملوک خود تصرف کند. این نوع ملکیت یک امر عقلایی و فطری است که اسلام آن را امضا کرده است؛ زیرا بر اساس آیه ۳۰ سوره روم، آموزه‌های وحیانی قرآن و اسلام براساس فطرت الهی بشر است و اگر فطرت بشر دffen نشده باشد، همان کاری را انجام می‌دهد که آموزه‌های اسلام خواسته است؛ زیرا نوعی مطابقت میان آموزه‌های فطری و قرآنی وجود دارد. براساس آموزه‌های قرآنی، هر گونه تصرف انسانی در ملک اعتباری، مجاز است، مگر در مواردی که قرآن آن را تخطئه کرده و نادرست شمرده است؛ یعنی همان‌طوری که خداوند انواع خرید و فروش عقلایی را مجاز شمرده؛ امضا کرده است، مگر خرید و فروش ربوی و مانند آن را. همچنین هرگونه تصرف انسان در ملک اعتباری را تأیید کرده، مگر آنکه این تصرف سفیهانه و نابخردانه و مانند آن باشد.

در آموزه‌های اسلام، با آنکه ملکیت سفیه و مجنون و نابالغ بر اموالش را پذیرفته ولی اجازه تصرف به آنان نمی‌دهد؛ زیرا از نظر اسلام اموال جزو ستون‌های قوم یا بخش جامعه است و نمی‌توان این ستون‌ها را در اختیار کسی گذاشت که فاقد شرایط عمومی تصرف چون عقل و بلوغ است. (نساء، آیه۵) همچنین اسلام بر خلاف تفکر سوسیالیستی که ملکیت خصوصی را انکار می‌کند، افزون بر خصوصی، ملکیت عمومی را نیز امضا کرده است. در حقیقت ازنظر آموزه‌های اسلامی همان‌طوری که فطرت عقلایی بیان می‌کند، دو نوع ملکیت اعتباری رای آدمی است. ۱- ملکیت عمومی؛ ۲- ملکیت خصوصی. در آموزه‌های قرآنی چیزهایی مانند جنگل‌ها، دریاها، رودها و مانند آنها در حوزه ملکیت عمومی تعریف و به عنوان افعال عمری می‌شوند به طوری که حتی سوره‌ای به نام انفال در قرآن آمده است. البته مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی دارای اقسامی است که در تعالیم اسلام تبیین شده است. مالکیت عمومی یعنی مال و ثروت مرتبط به عموم باشد نه شخصی و اشخاص، دارای شکل‌های مختلفی است: ۱- ملکیت امام یا دولت اسلامی؛ ۲- مالکیت عموم مردم؛ ۳- مالکیت عناوین عام دیگر؛ مانند مالکیت فقرا نسبت به زکات یا مالکیت دانشگاه نسبت به اموال مربوط به خود.

**احکام و آثار تصرف در اموال عمومی در اسلام**
هرگونه تصرف غیرمجاز در اموال عمومی احکام تکلیفی و وضعی و آثاری دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:
**۱- لعن متصرف غیرمجاز در اموال عمومی**
شکی نیست که تصرف در اموال عمومی تنها برای کسانی است که از عنوان ولایت برخوردار بوده و با مآذون از سوی ولی‌الله هستند. بنابراین، هرگونه تصرف افرادی که مآذون به تصرف نبینستند، حرام و نامشروع است؛ همچنین حدود و میزان تصرف مآذون نیز در محدوده‌ای است شارع تعیین کرده است و تصرف فراتر از حدود مشخص و معین، تصرف غیرمجاز و حرام است.

این حکم تکلیفی درباره تصرف غیرمجاز در اموال عمومی از جمله انفال است. به طور طبیعی حکم وضعی آن فساد تصرف و عدم صحت نقل و انتقال خواهد بود. از این‌رو امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: «به خدا قسم، اگر بیت‌المال مسلمانان را کابین زنان خویش هم کرده باشند، آن را باز خواهد گرداند» (نهج‌البلاغه، خطبه ششمشبهه)

زیرا هر گونه تصرفی غیرمآذون در کلیت یا جزئیت باطل و فساد و در حقیقت نقل و انتقالی صورت نگرفته و تصرفاتی که انجام گرفته و یا می‌گیرد مصداق غصب و حرام‌مآوری و ظلم است. البته این امر اختصاصی به مال ندارد بلکه حتی به مآذون به تصرف غصبی نیز این‌گونه است؛ از این‌رو آن حضرت می‌فرماید: «قسم به خدا، من را از آمایش خواهم کرد و شما را غریبال خواهم نمود تا بالا و پایین شوید. آنهایی که به ناحق بالا رفته، پایین آیند و آنهایی که به ظلم عقب مانده‌اند جلو افتند و در جایگاه خویش قرار گیرند.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶) و یا می‌فرماید: «ای مردم، به من برای اصلاح خودتان

از امام صادق(ع) درباره تقسیم بیت‌المال پرسیدند، فرمود: **لن اسلام، فزندان آن محسوب می‌شوند. در امکانات بیت‌المال، من، برابرشان می‌دانم. امتیازات معنوی آنان، بین آنها و خدا محاسبه می‌شود. لذا، همانند فرزندان یک نفر که فضیلت و صلاحیت، سبب فزونی ارث برن یکی بر دیگری - که ضعیف و ناتوان است - نمی‌شود، مسلمانان نیز، این چنین هستند.**ا

کمک کنید. به خدا سوگند، داد مظلوم را از ظالم می‌گیرم و افسار ظالم را می‌کشم تا وی را به آبشخور حق وارد سازم، اگرچه این کار را دوست نداشته باشد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۶) و در جایی دیگر می‌فرماید: «من با دو کس خواهم جنگید: نخست آن که به ناحق چیزی طلب کند؛ دوم کسی که حق بر گردن او باشد و از دادن آن امتناع ورزد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳)
پس تصرفات غیرمجاز نه تنها حرام، بلکه اثر وضعی آن فساد نقل و انتقال خواهد بود؛ همچنین لقمه‌ای که از این طریق به کام می‌رود، لقمه حرام خواهد بود و آثار وضعی لقمه حرام را نیز خواهد داشت که بسته شدن آدمی ارثی و دفن شدن فطرت و خصلت‌های فاضله قلب است.
از دیگر آثار چنین تصرفاتی آن است که شخص جزو کسانی می‌شود که خداوند آنان را لعن کرده است؛ پس متصرف غیرمجاز در انفال و اموال عمومی ملعون است؛ چنانکه امام باقر(ع) از رسول‌اکرم(ص) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: پنج کسانند که من و هر پیامبر مستجاب‌الدعوی‌ا، آنان را لعنت کرده‌ام: آن کس که در کتاب خدا، آیه‌ای را زیاد گرداند؛ و کسی که سنت و روش مرا، روا کند و کسی که قضا و قدر خدا را تکذیب کند و می‌گوید انسان آزاد است؛ و کسی که حرمت اهل بیت مرا- که خدا واجب فرموده- نگه‌ندارد؛ و کسی که اموال عمومی را به خود منحصر سازد و آنصرف در آن را به این خودا حلال شمارد. (لکافی، ج ۲، ص۳۰۳)

**۲- عدالت در تقسیم بیت‌المال**

دومین حکمی که درباره بیت‌المال مطرح است، تقسیم عادلانه آن است. بنابراین هر کسی سهمی از بیت‌المال دارد که باید به آن برسد. سیاست عدالت و مساوات حضرت امیرمؤمنان علی(ع) سرمشتی برای همه عدالت‌خواهان است. هر چند چنین عدالتی در سخن آسان و در عمل سخت است و بسیاری آن را علیه خود و خویشان بر نمی‌تابند و اعتراض می‌کنند؛ چنانکه سیاست امام(ع)، مشکلات و اعتراضاتی را در پی داشت. این حضرت(ع) هرگز از مواضع عادلانه خودش عقب‌نشینی نکرد و در مقابل این اعتراضات فرمود: «ایا به من دستور می‌دهید که حق پیروزی خود از جور و ستم در حق کسی که بر آنها حکومت می‌کنم استمداد جویم؟ به خدا سوگند، هرگز به چنین کاری دست نمی‌زنم. اگر اموال از خودم بود، به طور مساوی در میان آنها تقسیم می‌کردم، چه رسد به اینکه این اموال مال خداست.» (نهج‌البلاغه، خطبه۱۲۶) امیرمؤمنان علی(ع) در عمرین خطاب فرمود: «شما چیز است که اگر آنها را حفظ کنی و به آنها عمل کنی، از هر چیز دیگری، تو را کافی است و اگر آنها را ترک کنی، چیز دیگری برای تو فایده ندارد. عمر گفت: آنها چیست؟ فرمود: آن‌ها فرمود: ۱- اجرای حدود بر همه کس؛ چه از اقوام باشند و چه غیر از آنان؛ ۲- حکم کردن طبق کتاب خدا؛ ۳- عدالت؛ ۴- تقسیم عادلانه بیت‌المال میان همه مردم، از عجم و عرب. عمر گفت: سوگند به جانم! مختصر و بلیغ گفتی. (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص۱۵۶)

البته ثروت مانند قدرت اگر در دست اهل خودش قرار نگیرد فساد را موجب می‌شود. خداوند در آیاتی از جمله آیه ۱۵ سوره تغلین مال و ثروت

### معارف

Maaref@kayhan.ir

# احکام و آثار تصرف در بیت‌المال مسلمین



مجید خوشخو

به دوستان و خویشان، نوعی فزون‌خواهی را برای خود و آنان فراهم آورد. انحصارطلبی نیز بخشی از این امر است که در روایات از آن نهی شده است. حضرت علی‌بن ابیطالب(ع) پس از فتح بصره، گروهی از قاریان و خزانه‌داران را فراخواند و دستور داد درهای بیت‌المال را گشوند. امام با دیدن اموال آن فرمود: ای زردها و سپیدها از زر و سیبها و طلاها و نقره‌ها! غیر مرا بفریبید، مال، پیشوای ستمگران است و من پیشوای مؤمنان هستم.

امام کاظم(ع) درباره عدالت در تقسیم اموال عمومی فرموده است: خدا،

**کارگزار خیانتکار و اختلاس‌کننده و سودجو از بیت‌المال آنچنان خوار و خفیف است که نمی‌توان برایش هیچ ارزش و اعتباری در جامعه قائل شد. حضرت امیرالمومنین(ع) بعد از خیانت «هذرن بن جارود» در ولایت فارس، به وی نگاشت: اگر آنچه که از خیانت تو، به من رسیده است، درست باشد، شتر اهلت و بند کفشت، با ارزش‌تر از تو است.**

تمامی مال‌ها را تقسیم کرده و حق هر مستحق را از خاصه و عامه و فقیر و مسکین و اصناف دیگر مردم را به آنها داده است. سپس فرمود: اگر در میان مردم، عدالت حکمفرما باشد، همه، به‌نیاز شوند و باز فرمود: عدالت، از غسل شیرین‌تر است و عدالت را پیشه نکند، جز کسی که عدالت را خوب بداند. (اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۵)
**۳- بخشش نابجا، خیانت به بیت‌المال**
برخی از مسئولان عدالت کرده‌اند تا از بیت‌المال برای معاونان و اطرافیان خویش بخشش کنند و هدایایی بدهند و پاداشی را تعیین کنند. البته اگر اینها در جای خود و به اندازه لیاقت و کاردانی و از باب تشویق باشد، خوب است؛ ولی از آنجا که میزان و مقدار آن معلوم نیست، هر کسی از این تبصره استفاده کرده و زمینه خیانت به بیت‌المال را فراهم می‌آورد. برخی از مسئولان برای آنکه حقوق کلان و نامتناسب خود را توجیه کنند یا پاداش‌هایی را برای خود وضع نمایند، اقدام به دادن پاداش‌های میلیونی به همکاران می‌کنند تا خودشان به طور طبیعی چند برابر آن یعنی پاداش‌های سنگین‌تر دریافت کنند.

از نظر اسلام هرگونه تصرفی در بیت‌المال باید بسیار با حساسیت انجام گیرد و کسی حق ندارد تصرفی داشته باشد که افزون بر لیاقت و دیگر موازین و معیارهای عقلایی و عقلانی و شرعی باشد. کسی که مآذون به تصرف در بیت‌المال است باید بداند تمام مسئولان آن ارشد خود وجهی داشته باشند ولی باید ببینند توجیه و عذری در پیشگاه خدا خواهد داشت یا نه؟

امام علی(ع) درباره تصرفات بیجا و پاداش‌ها و بخشش‌های نادرست فرموده است:جود الواله بقی‌ء المسلمین، جور و ختر؛ بخشش -نابجا- حکمرانان از اموال عمومی مسلمانان، ستم و خیانت است. (میزان‌الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۴۵)
از نظر اسلام و عقل و عقلا اصول اخلاقی مهم عبارتند از عدالت، صداقت و امانت و وفا به عهد و پیمان. حال اگر کسی به امانت خیانت کند باید بداند که نه‌تنها مراعات اصول اخلاقی را نکرده، بلکه از نظر شریعت اسلام خیانت کرده و باید در قیامت پاسخگوی خدا به سبب خیانت در امانت باشد.

**۴- امانت‌دار و خزانه‌دار خدا**

چنانکه گفته شد، اموال عمومی تنها در اختیار کسانی است که ولی‌الله و یا مآذون از سوی ولی‌الله باشند؛ پس هرگونه تصرفی تنها در چارچوب موازین عقلی و معیارهای شرعی است و آن را به دست من بسیاری. (نهج‌البلاغه، نامه ۶) از این معیارها انجام دهد خیانت است.

امام علی(ع) درباره نقش مسئولان نسبت به بیت‌المال می‌فرماید: حق نداری به دلخواه خویش، به مردم چیزی بگویی و بدون دستور، به کارهای دشوار اقدام ورزی؛ در دست تو، مالی از اموال خداوند عزوجل است و تو، یکی از خزانه‌داران اوبی تا آن را به دست من بسیاری. (نهج‌البلاغه، نامه ۶)
**۵- پرداخت سهم بیت‌المال**
بیت‌المال دارای دایره وسیعی از انفال و زکات و مانند آنها را شامل می‌شود. بنابراین، اگر زکاتی برعهده شخص است باید بپردازد و تا پیش از پرداخت آن، خدا و خلق در حق این عا مل به طور مشاع شریک هستند و هرگونه تصرف در ملک مشاعی بدون اجازه طرف یا اطراف دیگر ناروا است. بنابراین، هر کسی که حقوق مالی برعهده اوست باید آن را بپردازد و خود را از مال غیر آسوده کند. خداوند در آیاتی از جمله ۱۹ سوره فاطریت و ۲۴ و ۲۵ سوره معارج و آیات دیگر برای این حقوق دیگران در اموال حکومتی، به میان آورده است. البته برای بسیاری از مردم سخت است که حقوق دیگران را به مال به ظاهر خویش آدا کنند. اگر کسی بداند که مالی که کسب می‌کند تنها

**کسی که مآذون به تصرف در بیت‌المال است باید بداند که تصرفات او اگر بیجا باشد باید روز قیامت پاسخگو باشد حتی اگر بتواند برای مسئولان ارشد خود توجیهی داشته باشد ولی باید ببینند توجیه و عذری در پیشگاه خدا خواهد داشت یا نه؟**

بخشی از آن را مالک می‌شود و بقیه ملک خداوند باقی می‌ماند آن هنگام شاید برایش آسان‌تر باشد تا ملک خدا را به خدا بر گرداند و به صاحبان آن یعنی ولی‌الله و مسلمانان بپردازد.
**۶- بازگرداندن بیت‌المال اضافی به مرکز حکومت**
مسئولانی که بیت‌المال را در اختیار دارند، به میزانی که لازم و ضروری و تعیین‌شده باید هزینه کرده و مخارج را در ردیف‌های آن داشته باشند. حال اگر به هر دلیل مرادی بود نباید آن را بی‌جهت هزینه کنند بلکه باید مدارا را برگردانند. این مازاد ممکن است هنگام جمع‌آوری باشد یا پس از آن که از سوی حکومت مرکز در اختیار آنان قرار گرفته ولی به دلایلی هزینه نشده است. حضرت علی(ع) به نامه‌ای به عبدالله بن عباس نوشت: از بنده خدا علی امیرالمؤمنین به عبدالله بن عباس اما بعد، بنگر آنچه را نزد تو جمع شده از غلات مسلمانان و درآمدها و غنایم متعلق به ایشان، پس آنها را بین افرادی که نزد تو هستند (و احتیاج دارند) تقسیم کن تا ایشان را بی‌نیاز سازی و باقی مانده آن را نزد ما بفرستی تا بین کسانی که نزد ما هستند، تقسیم کنیم. والسلام. (بخارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۰۱)
**۷- پرهیز از انحصارطلبی و ویژه‌خواری**
یکی از بزرگ‌ترین خطراتی که مسئولان را تهدید می‌کند، خودبزرگ‌بینی به جای ابتکار است. مسئولان با توجه به موقعیت شغلی و اشراف اطلاعاتی و مانند آن، می‌توانند به سادگی سوءاستفاده کرده و با ارائه این اطلاعات

عامل بصره کرد. امام اعمال او را زیر نظر داشت و این نامه را برای او نوشت: به خدا سوگند، سوگندی راستا که اگر آگاه شوم که در مال مسلمانان به کم و بیش خیانت ورزیده‌ای، چنان بر تو سخت‌گیرم که اندک مال گردی و گران پشت از فاقه؛ و خوار مایه‌گردی. والسلام. (نهج‌البلاغه، نامه ۲۰)

**۱۲- حمایت از فرودستان از بیت‌المال**

در میان اقشار اجتماعی کسانی هستند که نسبت به دیگران در حالت بدتری هستند. اصولا در جوامع وقتی عدالت به طور کامل برقرار نشود، انواع مستضعف مالی و فکری رشد می‌کند.

توجه خاص به این گروه‌های پایین اجتماعی به معنای بی‌عدالتی نیست، بلکه به معنای حمایتی است تا آنان بتوانند جایگاه واقعی و عادلانه خود را به دست آورند. از این رو توجه ویژه به آنان به معنای نادیده گرفتن عدالت نیست، بلکه عین عدالت است. در توسعه‌های ناهمگون چنین شرایطی پیش می‌آید که برخی در زیر چرخ توسعه ناهمگون و غیر همه جانبه له می‌شوند. پس نیازمند حمایت بیشتر و توجه ویژه هستند. بر این اساس حضرت علی(ع) درباره آنان سفارش خاصی کرده و به کارگزاران خود فرموده است: الله الله فی الطبقة السفلی... واجعل لهم قسما من بیت مالک؛ خدا را، خدا را، در نظر بگیر درباره گروه فرودستان بیچاره... و آنان را از بیت‌المال - که در اختیار تو است - نصیب بخش. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

**۱۴- رضای الهی در مصرف بیت‌المال**

در هر گونه تصرفی که از سوی کارگزار در بیت‌المال می‌شود باید رضایت الهی در نظر گرفته شود. هزینه‌های فرهنگی خوب است به شرط آنکه توجاهی به شرایط فرودستان و نیازمندان پیش از آن شده باشد؛ وقتی کسی گرسنه است صرف هزینه برای همایش و فعالیت‌های فرهنگی غیر ضروری است. روزی، نامه‌ای از نجاشی - والی اهواز - به امام صادق(ع) رسید. وی، خبر منصوب شدن خود را به استانداری اهواز داده و از امام درباره اجرای احکام خدا، دستورالعمل خواسته بود. امام به وی فرمود: پرهیز از اینکه در غیر رضای خدا، به شاعری یا لطیفه‌گویی یا دلقگی، درهمی ببیشتی، یا جامه‌ای را از تن بیرون بپاوری، یا متاعی را بر چارپایی، حمل کنی و هدیه دهی، مگر آنکه همانندش را در راه خدا بخشش کنی (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۰)

**۱۵- ناهالان و غارت بیت‌المال**

بیت‌المال بلکه حکومت باید در دست افراد صالح و اهل تعهد و تخصص باشد. اگر حکومت و بیت‌المال در دست ناهل قرار گیرد، نتیجه آن جز غارت بیت‌المال و اختلاس‌های کلان از اموال عمومی نخواهد بود.

حضرت علی(ع) در طسی نامه‌ای به اهل مصر می‌نویسد: ولی از این اندوهناکم که سرپرستی حکومت این امت به دست بی‌خردان و ناکاران افتد. بیت‌المال را به انحصار درآورند، آزادی بندگان خدارا سلب کنند و آنها را بنده خویش سازند؛ با صالحان نبرد کنند و فاسقان را هم دستان خود قرار دهند. (نهج‌البلاغه، نامه ۶۲)

**۱۶- ساده‌زیستی مسئولان و عدم هزینه از بیت‌المال**

بیت‌المال در دست مسئولان است و نباید آن را برای آسایش و آراشی خود مصرف کنند. ساده‌زیستی باید در رفتار مسئولان باشد تا مردم احساس امنیت کنند. وقتی مسئولان با پول‌های بیت‌المال پی می‌دهند و در ساختمان‌های آنند، ماشین‌های اشرافی حرکت می‌کنند و به مردم فخر می‌فرشند مردم نسبت به امانت‌داری آنان احساس خوشی نخواهند داشت و هم از آنان سرمشق می‌گیرند تا از بیت‌المالی که در اختیار است به شکل نادرست بهره برند. هر کسی هر چه از بیت‌المال در خیابان و بیابان یافت غارت و سوءاستفاده خواهد کرد و امانت‌دار خوبی نخواهد بود.

معلى بن خنیس گوید: روزی به امام صادق(ع) عرض کردم، نعمت‌هایی را که بنی‌عباس دارند باید آورد و ما به خود گفتیم: اگر این نعمت‌ها برای شما می‌بود، ما هم با شما در خوشی بودیم.

امام(ع) فرمود: هیهات ای معلى! اگر چنین می‌بود (و ما حاکم بودیم) برای ما جز تدبیر شبانه و تلاش روزانه و پوشاک زبر و درشت و خوراک سخت و بی‌خورش، چیزی نبود. (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۲)

عبدالله بن زعمه - که شیعه مولا علی(ع) بود - هنگام خلافت ایشان، به او خدمت می‌کرد و در میان خود سرپرستی مستقیم داشته باشد. حتی در شرایط خدمت حضرت رفت و مالی از او درخواست کرد. حضرت در پاسخ فرمود: همانا این مال، نه از آن من است و نه از آن تو؛ بلکه از آن، مال و غنیمت مسلمانان است.

این، مالی است که به ضرب شمشیر آنان، فراهم گردیده است. پس اگر در نبرد آنان شرکت داشته‌ای، سهمی به اندازه بهره آنان داری؛ اگر نه، بهره‌چند شده به دست آنان، لقمه‌ای برای دهان‌های دیگران نیست. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۲)
در همین رابطه این داستان بسیار آموزنده است. شریح بن حارث، به فرمان امام(ع) به منصب قضا نشسته بود. روزی به حضرت علی(ع) خبر رسید که وی، خانه‌ای به هشتاد دینار خریداری کرده است. وی را فراخواند و فرمود:

**از نظر اسلام هرگونه تصرفی در بیت‌المال باید بسیار با حساسیت انجام گیرد و کسی حق ندارد تصرفی داشته باشد که افزون بر لیاقت و دیگر موازین و معیارهای عقلایی و عقلانی و شرعی باشد.**

ای شریح! مبدا که این خانه را جز با مال خویش خریده باشی و بهای آن، جز از مال حلال خود پرداخته باشی- و گرنه، هم در این سرا و هم در آن زیان بردار کرده‌ای. (نهج‌البلاغه، نامه ۳)
**۱۷- دوزخ، نتیجه عدم رعایت مقررات مالی**
کسی که حتی اندکی از بیت‌المال را مصرف کند خود را به آتش دوزخ آماده کند؛ زیرا موجبات خشم الهی و لعن و نفرین خداوند را برای خود فراهم کرده است.
«همد» از خدمتکاران پیامبر(ص) در یکی از جنگ‌ها، همراه ایشان بود. او، در آن جنگ، به تیر دشمنان زخمی شد. مسلمانان، کنار پیگر او گرد آمده، می‌گفتند، بهشت بر تو دشوار بود! ولی پیامبر سخنی نمی‌فرمود و خشمشان که نظر می‌رسید، حاضرا، علت خشم را نمی‌دانستند که ناگهان پیامبر فرمود: نه هرگز؛ سوگند به خداوندی که جان محمد در دست اوست! ربوبش او هم اکنون وی را در میان آتش شعله‌ور خود می‌سوزاند؛ چون، او، آن ربوبش را از بیت‌المال مسلمانان (بدون رعایت مقررات) و از روی خشم برداشته بود. (سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۳۵۴)

**۱۸- بی‌ارزشی کارگزار خیانتکار**

کارگزار خیانتکار و اختلاس‌کننده و سودجو از بیت‌المال آنچنان خوار و خفیف است که نمی‌توان برایش هیچ ارزش و اعتباری در جامعه قائل شد.

حضرت امیرالمومنین(ع) بعد از خیانت «هذرن بن جارود» در ولایت فارس، به وی نگاشت: اگر آنچه که از خیانت تو، به من رسیده است، درست باشد، شتر اهلت و بند کفشت، با ارزش‌تر از تو است. (نهج‌البلاغه، نامه ۷۱)
**۱۹- فقدان امتیازات در تقسیم بیت‌المال**
در تقسیم بیت‌المال اصل همان عدالت و حتی مساوات و برابری است. از این رو هیچ امتیازی پذیرفته دشنی نیست. در این رابطه روایات بسیاری وارد شده که به یک نمونه اشاره می‌شود: حفص بن غیاث می‌گوید: از امام صادق(ع) درباره تقسیم بیت‌المال پرسیدند، فرمود: اهل اسلام، فرزندان آن محسوب می‌شوند. در امکانات بیت‌المال، من، برابرشان می‌دانم. امتیازات معنوی آنان، بین آنها و خدا محاسبه می‌شود. لذا، همانند فرزندان یک نفر که فضیلت و صلاحیت، سبب فزونی ارث برن یکی بر دیگری - که ضعیف و ناتوان است - نمی‌شود، مسلمانان نیز، این چنین هستند! حضرت، در ادامه فرمود: پیامبر(ص) از آغاز اسلام، چنین رفتار می‌کرد ولی دیگران گفتند، ما برخی را بر اساس سابقه بیشتر در اسلام، از نظر اقتصادی امتیاز می‌بخشیم. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸۱)

**۲۰- زنجیر شدن در قیامت بیت‌المال**

یکی از آثار خیانت در بیت‌المال آن است که در قیامت با آن بیت‌المال که به او زنجیر و غل شده می‌آید تا آبرویش برود. رسول اکرم(ص) فرمود: هرکس از شما را، بر کاری مجاردمی‌او، و سوزنی یا چیز مهمی‌تر را از ما پنهان دارد، آن خیانتگر را همراه با خیانتش روز قیامت خواهند آورد. (صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۲۷)

صفحه ۶
پنج‌شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۵
۸ ذیقعدۀ ۱۴۳۷ - شماره ۲۱۴۱۳

**چراغ راه**

**پست و فرومایه کیست؟**

**قال الامام(الرضاع):** **سستل عن السفله فقال: «من كان له یلیه عن الله»**

از امام (رضاع) سؤال شد: پست و فرومایه کیست؟ حضرت فرمود: آن کسی که به وسیله آنچه در اختیار او است از خدا غافل شود.<sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۳۵

**حکایت خوبان**

**ذکر حقیقی و دائمی**

خداى سبحان در حدیث قدسى می‌فرماید: هرگاه به دل پندهای سربزمن و ببینم که یاد من در آن چیره گشته است، اداره و تربیت او را خود به عهده می‌گیرم و همنشین و هم‌سختن و همدم او می‌شوم.<sup>(۱)</sup> رسول خدا(ص) می‌فرماید: هر کس از خداوند فرمان برد، خدا را یاد کرده است، هرچند نماز خواندن و روزه گرفتن و قرآن خواندنش اندک باشد.<sup>(۲)</sup>

همچنین امام صادق(ع) می‌فرماید: از برترین اموری که خداوند بر مردمان واجب کرده است، ذکر خدا به فراوانی است. البته منظورم گفتن «سبحان‌الله والحمدلله والوالله‌الله والله اکبر» نیست، گرچه این هم ذکر است، اما مقصود به یاد خدا بودن در امور حلال و حرام است، که اگر اطاعت است به آن عمل کند، و اگر نافرمانی است رهایش نماید.<sup>(۳)</sup>

۱- میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۶۳۹۶
۲- همان، ج ۶۴۵۱
۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۰

**پرسش و پاسخ**

**راه‌کارهای غلبه بر یأس و ناامیدی**

**پرسش:**
**برای برون رفت از روحیه یأس وناامیدی و غلبه روحیه امید و نشاط در رفتارهای فردی و اجتماعی چه راهکارهایی وجود دارد؟**
**پاسخ:**
به طور کلی برای برون رفت از روحیه یاس و ناامیدی و غلبه روحیه امید و نشاط در رفتارهای فردی و اجتماعی راهکارهای متعددی وجود دارد که در اینجا به نحو اجمال به برخی ازهام اشاره آنها می‌پردازیم:
۱- شناخت و توجه مستمر به عظمت و قدرت پروردگار و

**رحمت الهی**
راهکار اول شناخت و معرفت نسبت به عظمت و قدرت پروردگار و رحمت واسعه الهی است و رسیدن به اینکه چنین خدایی هم می‌تواند ما را ببخشد و هم رحمت واسعه الهی او بی‌حد و بی‌کران است و همه مخلوقات و موجودات عالم هستی را در بر می‌گیرد این شناخت همواره باید موردتوجه و سر لوحه رفتار و کردار انسان در همه ابعاد قرار گیرد و از آن غفلت نشود.
**۲- توجه مستمر به وعده بخشش گناهان**
راهکار دوم پس از شناخت عظمت، قدرت و رحمانیت پروردگار متعال، توجه مستمر به وعده بخشش گناهان از سوی آن ذات باری تعالی است که وعده بخشش گناهان را به بندگانش داده و خلف وعده هم در مورد او قابل تصور نیست. بنابراین نباید از چنین مقام یا عظمتی ناامید شد.
**۳- بازگذاشتن راه توبه و بازگشت**
راهکارسوم این است که انسان به این عرصه توجه مستمر داشته باشد که چنین خدای با عظمت و مهربان و رحیمی، راه توبه و بازگشت به مسیر و هدایت الهی را باز گذاشته و از بازگشت و توبه گناهکاران استقبال می‌کند. بنابراین چرا انسان باید به خودش اجازه دهد که روحیه ناامیدی و یأس بر وی غلبه کند؟

**۴- توجه به گناه بودن یأس و نا امیدى از رحمت خداوند**
راهکار چهارم این است که انسان توجه مستمر به این حقیقت داشته باشد که یأس و نا امیدى از رحمت خداوند، خود گناهی بزرگ است و انسان اگر به همین نکته توجه دائم داشته باشد آن وقت خود را از دام یک گناه به دام گناه دیگری نمی‌اندازد.
**۵- اعتقاد به جبران و اصلاح خطاهای گذشته**
راهکار پنجم و پایانی این است که انسان باور داشته باشد که فرصت برای او نیابت یافته و همچنان باقی است و لذا می‌تواند از بقیه عمرش استفاده کند و خطاها و یا گناهان گذشته را جبران و اصلاح کند. بنابراین معنا ندارد که انسان در اثر گناه و یسا لغزش‌ها به آینده خودش بدبین باشد، چرا که نتیجه بدبینی هم یأس وناامیدی است و هم این یأس و ناامیدی او را از دامن خطاها و گناهان کوچکتر به دامن گناهان و خطاهای بزرگتر می‌اندازد.

**سلوک عارفانه**

**قیام برضد شهوات سالک**

**نباید به آخر عمر موکول شود!**

(بسان ای سالک راه حق!) نگذارد که برای آخر عمر، کار خوب بکنید. این خیالی است که انسان این خیال را ممکن است بکند، ولی از آن خیال‌های شیطانی است، که می‌خواهد آدم را نگذارد، که کار خیر بکند. می‌گوید: تو حالا جوان هستی، حالا اول جوانی است، استفاده‌های جوانی را بکن، شهوت‌ها را راه بینداز، مفسده‌ها را انجام بده، این کارهای زشت را که دلت می‌خواهد بکنی آن‌را نشاءله در آخر عمر، جبران می‌توانی بکنی. انسان نمی‌تواند دیگر جبران بکند، اگر شما از حالا قیام نکنید بر ضد شهوات فاسده، از شهوات مطلقاً جلوگیری نشده است. <sup>(۱)</sup>

۱- صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۰

**چیزهایی بدتر از گناه**

**قال رسول‌الله(ص):****اربعة فی الذنب شر من الذنب: الاستحقر والافتخار والاستبشار والاصرار**

(جامع احادیث الشیعه ۱۳/۲۳۶)

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌ع‌وآله فرمود: چهار چیز از گناه بدتر است:

۱- کوچک شمردن گناه: یعنی وقتی به نامحرم نگاه شهوت آلود می‌کنی به خودت بگویی: اینکه چیز مهمی نیست، زنا که نکردیم، قتل که نکردیم.

۲- افتخار کردن به گناه: مثلا خاطره خلأکاری‌های خودت را با افتخار تعریف‌کنی که بله زمانی که فلان مسئولیت را داشتم، فلان قدر اختلاس کردم هیچ کم هم نفهمید.

۳- شامدانی کردن به گناه: یعنی بعد از گناه خوشحالی کردن مثلا بگویی عجب کلاهی سرش گذاشتم، کیف کردم.

۴- اصرار برگناه: مثلا بگویی خوب کردم زدم، بازم می‌زنم! خوب کردم رشوه گرفتم، بازم می‌گیرم، خوب کردم مواد فروختم، بازم می‌فروشم، تازه روه و جاهش را بلد شدم.